

### متن پرسش

سلام و عرض ادب: خدا قوت استاد، ممنون بابت نشر معارف زیبا با بیان عالیتون، اجرتون با صاحب الزمان. استاد این پیام [ ] رو به بنده خدایی توی کانالشون گذاشته بودن و برای بنده هم سوال شد و از آنجایی که ولادت آقا امیرالمومنین نزدیکه سلسله سخنرانی یا کتابی به بنده معرفی کنید ممنون از لطفتون. «داشتم با خودم فکر می‌کردم علی (ع) واقعا کیه؟ کیه که ولادتش تو ماه خداست. احتمالا شنیدید میگن رجب ماه امام علی هست، این چه ارتباطه ای است که خدا میگه ماه منه و تو روایتام داریم ماه امام علیه. بعد محل ولادتش کجاست؟ تو خونهی خدا که حتی به حضرت مریم اجازه داده نشد که حضرت عیسی رو اونجا به دنیا بیاره. روز ولادتش کیه؟ با شروع ایام البیض که از خیلی قبل‌تر از تولد امام علی قدر و قیمت داشته این ۳ روز. کی بوده که تو روایتا خودش به شمشیر خدا معروفه و با ذوالفقارش هرکسی رو میکشسته بدون هیچ تردیدی حتما وارد جهنم می‌شده. کیه که خدا گفته معیار حقه. میدونید که حق یعنی خدا و هرچی که خدا میگه. بعد شهادتشون کیه؟ تو ماهی که مال بنده هاست و توش به اوج عشق‌بازی با خدا میرسن. دارم فکر می‌کنم انگار اینا همه نشونس که میگه علی تو ماه خدا به دنیا اومد، تو ماه شعبان دو تا از بهترین دسته گلاش را هدیه داد به این جهان تو ماه رمضان که همه به اوج عبودیت میرسن و آخر این سیر و سلوک ۳ ماههست، به کمالی که ازین دنیا می‌خواست رسید و فزت برب الکعبه شد. و باز هم تو چه روزایی؟ تو شب و روزای قدر که خدا از اول آفرینش خلقت این روزا رو به جور دیگه بهشون قدر و قیمت داده بوده. و کجا؟ تو مسجد که مال خداست و برای عبادت شخص خداست. تو چه حالی؟ در نزدیک ترین حالت ممکن به خدا یعنی توی سجده‌ی نماز. اونم اون ساعتهای سحر که میدونین خدا چه قدرر اون ساعهتا رو دوست داره. علی (ع) واقعا کیه؟ من که به نتیجه‌ای نرسیدم.»

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خوب است به خلوص آن مولا که منجر به یگانگی عبد با ربّ می‌شود، فکر کنیم. که نمونه آن را در جنگ خندق می‌بینید، شمشیری که صاحب آن در نهایت خلوص آن را به حرکت در آورد و مفتخر شدند به «لَضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ التَّقْلِينَ» یعنی آن شمشیرزدن، از عبادت جن و انس برتر می‌شود، به جهت خلوص حضرت علی علیه السلام، و نه به جهت قدرت آن حضرت. حضرت علی علیه السلام متوجه شدند حالا که هیچکس در مقابل عمروبن عبْدُود جلو نمی‌رود باید برای خدا جلو بیایند. حضرت در آن جریان نشان دادند که برای خدا، تمام

چیزها را کنار گذاشته اند و حتی مواظب بودند خشمشان عامل تحریکشان نشود. مولوی در رابطه با خشمی که عمروبن عبدود با انداختن آب دهان بر صورت مبارك علی علیه السلام می خواست در آن حضرت ایجاد کند؛ و ملاحظه کنید که در این رابطه حتی مولوی این چنین می گوید:

او خدو انداخت بر روی علی      افتخار هر نبی و هر ولی

او خدو انداخت بر رویی که ماه      سجده آرد پیش او در سجده گاه

در آن حال حضرت با تمام آرامش و وقار از روی سینه عَمْرُوْبِنِ عَبْدِوَدُ بلند شدند و چند قدمی حرکت کردند و دوباره جنگ را با آن دشمن خدا شروع کردند و در نهایت او را کشتند. وقتی از حضرت علت بلندشدن و دوباره جنگ کردن را پرسیدند و حضرت جریان آب دهانی که به صورت مبارکشان انداخت را مطرح کردند، آنهایی که اهل دل بودند فهمیدند علی علیه السلام تا کجا بر شیطان مسلط است. مولوی ندا سر می دهد که ای علی!

تیغ حلمت جان ما را چاک کرد      آب علمت خاک ما را پاک کرد

یعنی ای علی! این حلم و بردباری ات تمام وجود ما را در مقابلت، چاک چاک و هیچ و نابود می نماید، همچنانکه نور علم تو، زندگی خاکی ما را از انحراف و گمراهی نجات داد. ای علی! تو بیش از آنکه با شمشیر، دشمنانت را به قتل برسانی، با شکیبایی و صبر آنها را هیچ و پوچ کردی و کشتی، می گوید:

بازگو، دانم که این اسرار هُوست      زآنکه بی شمشیر کشتن کار اوست

در واقع آن حضرت با عمل خود در مقابل بی ادبی عمروبن عبدود:

گفت من تیغ از پی حق می زرم      بنده حق ام نه مأمور تنم

شیر حَقِّم، نیستم شیر هوا      فعل من بر دین من باشد گواه

خون نپوشد گوهر تیغ مرا      باد از جا کی برد میغ مرا

تا اجِبُ لِلَّهِ آید نام من      تا که ابْغَضُ لِلَّهِ آید کام من

در چنین شرایطی است که می توان به آن حضرت گفت:

تو ترازوی احد خُو بوده ای      بل زبانه هر ترازو بوده ای

چون قلب حضرت سراسر محل الهام ملك و نمایش حق است، لذا است که به زبان حال خواهد گفت:

سایه ام من، کدخدایم آفتاب حاجبم من، نیستم او را حاجب

یعنی من سایه ای هستم که خداوند آفتاب من است و لذا من حاجب نیستم که خود را بنمایانم و حق را در عمل خود پنهان کنم، بلکه حاجب حَقِّم و وسیله ظهور و بروز حق می باشم.

اگر خودمان را اسیر جدل و ستیز و عجله و خودنمایی کردیم، از چنین قلبی و از وزیدن الهام ملک محروم می شویم، از وزیدن انوار ملائکه ای که به تعبیر قرآن: «يَسْتَعْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» برای مؤمنان طلب استغفار می کنند و زنگار کدورت را از قلب آنها می زدایند تا به راحتی با عالم غیب ارتباط پیدا کنند.

در رابطه با نظر به مقام مولایمان علی «علیه السلام» خوب است سری به کتاب «حقیقت نوری اهل البیت «علیهم السلام» بزنید. کتاب روی سایت هست. موفق باشید